

مقایسه تطبیقی یافته های جرم شناسان و مکاتب حقوقی معاصر با

سیاست جنایی و فقه جزایی علی (ع)

مسعود مؤمنی *

مسعود حیدری **

محمود اشرافی ***

چکیده

سیاست جنایی به عنوان مجموعه ای از تدابیر برای کنترل پدیده مجرمانه در دهه های اخیر، تحت تأثیر رهیافت های مکاتب حقوقی و نظریات جرم شناسان تحولی چشمگیر یافته و مفهوم موسع آن مورد توجه قرار گرفته است. لکن این نگرش در طول تاریخ حقوق کیفری بی سابقه نیست و در فقه جزایی اسلام بویژه در دوران حکومت حضرت امیر (ع) سیاست جنایی در مفهوم مذکور مورد توجه بوده است. همسویی یافته های جرم شناسان و مکاتب حقوقی معاصر با دیدگاه های آن فقیه جرم شناس بیانگر این واقعیت است. توجه ایشان به مقوله های پیشگیری، بازپروری، قابلیت های جامعه مدنی اصل قانونمندی و مداخله حداقلی حقوق کیفری و در یک کلام توجه ویژه به کرامت انسانی باعث گردیده است علیرغم گذشت قرن ها سیاست های جزایی ایشان همچنان با نیازهای انسان امروزی منطبق و در قالب یک سیاست منحصر به فرد مطرح باشد. لذا با توجه به همزیستی مسالمت آمیز فقه جزایی امامیه با داده های نظری جرم شناسی و تجارب عملی سیاست جنایی، شایسته است سیاست های حاکم بر فقه جزایی معاصر تمامی اصول مقبول و مؤکد در نظام حقوقی اسلام را رعایت کند تا عنوان «سیاست جنایی اسلام» بر آن قابل اطلاق باشد.

کلید واژه ها: سیاست جنایی اسلام، فقه جزایی علی (ع) نظریات جرم شناسی، مکاتب حقوقی، فقیه جرم شناس

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

* دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم شناسی واحد خوراسگان دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: masoud_heidari2@yahoo.com

*** استادیار گروه حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (استاد مشاور)

۱- مقدمه

با اصلاح تفسیر به عمل آمده از سیاست جنایی اسلام در سخن برخی از جمله خانم خانم حقوق دانان دلماس مارتی و کریستین لازرژ که از آن به الگوی «سیاست جنایی توتالیتار» تعبیر نموده اند به این تعبیر که از احکام سیاسی و کیفری اسلام علاوه بر دیگر تعابیر، تعبیری اقتدارگرا نیز میتوان داشت. ممکن است در برخی از اعصار یا در زمان حکومت برخی از زمامداران به نام حکومت اسلامی جلوه اقتدارگرایی سیاست جنایی اسلام نمود بیشتری یافته باشد. لذا تعمیم این میزان و تشبیه سیاست جنایی اسلام به الگوی توتالیتار سخنی خلاف انصاف است. در این نوشتار خواهیم دید که فقه جزایی اسلام در زمان حکومت حضرت امیر یک سیاست جنایی مکمل و مرکب بوده که در بردارنده ی تمامی اهداف و دورنماهای یک سیاست جنایی موسع و جامع است.

سیاست جنایی اسلام در الگوی اصیل و هنگام امامت زمامدار واقعی خود در قالب یک سیاست جنایی افتراقی مثبت و در راستای عمل به مفاد آیه شریفه «و لقد کرما بنی آدم» به دنبال حفظ کرامت انسانی بوده و مجازات را به عنوان آخرین حربه مورد توجه قرار داده است (آخر الدواء الکی) و در مورد اهمیت و ارزش موضوع مورد بحث همین بس که سیاستی که دایره الزام و دایره فراغ را برای پیروان خود مشخص می کند بی جهت و بی مورد در جهت محدود کردن منطقه فراغ و وسیع نمودن منطقه الزام نیست. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران سیاست گذاران جنایی کوشیده اند تا نقش شریعت اسلام و به ویژه فقه گران سنگ امامیه در تدوین و تصویب قوانین برجسته باشد که این موضوع در قانون اساسی و قوانین عادی کشور نمود دارد. با این حال در تحقق این هدف غفلت ها و افراط هایی از سر تقصیر یا قصور صورت گرفته که علت اصلی آن عدم تسلط قانون گذار بر فقه امامیه و سیاست جنایی اسلام در حفظ کرامات انسانی است. اهدافی که در این نوشتار دنبال می گردد طرح این موضوع است که فقه امامیه به ویژه در حوزه فقه جزایی در زمان حکومت امام علی (ع) ده ها قرن قبل از طرح دیدگاه های جرم شناسی، ضمن پویایی و شناوری از تمامی اصول حقوق عرفی مدرنیته امروزه که خود متأثر از اندیشه های مکاتب حقوقی و یافته های جرم شناسی در زمینه رعایت اصل قانون مندی، رعایت اصل مداخله ی حداقلی حقوق کیفری تفکیک جرم از اغراف، جرم زدایی، کیفرزدایی، مشارکت جامعه مدنی، اصلاح و بازپروری، پیشگیری از وقوع جرایم و انحرافات و... برخوردار بوده است. لذا این فقه و سیاست جنایی که شالوده و فنداسیون قوانین جزایی ما را تشکیل می دهد باید به درستی شناخته شوند تا باعث تدوین قوانین مغایر با اهداف آن نگردد.

به طور مثال مقنن در اصل ۱۶۷ قانون اساسی و نیز در مواد ۲۲۰ از قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۶۳۸ از قانون تعزیرات با نادیده انگاشتن اصول مسلم حقوق کیفری که اتفاقاً در دوران مورد بحث ما به شدت مورد توجه بوده است، اقدام به یک جرم انگاری کشدار نموده و راه سلايق و علايق در محدوده فراغ شهروندان را برای کارگزاران نظام عدالت کیفری باز گذاشته است. که خود این امر باعث به تصویر کشیدن چهره ای خشن، اربعایی و غیر بازپرورانه و حتی ناتوان، برخلاف واقعیت آن از سیاست جنایی اسلام و فقه جزایی گردیده است تا الگوی سیاست جنایی و فقه جزایی اسلام را یک الگوی شبیه به الگوی توتالیتار قلمداد نمایند (خسروی، ۱۳۸۷، ۳۴)

۲- پیشگیری از وقوع پدیده ی مجرمانه در فقه جزایی امام علی (ع)

یکی از ویژگی های مهم در الگوی سیاست جنایی موسع که آن را از سیاست کیفری، « سیاست جنایی در مفهوم مضیق» متمایز می سازد توجه به انحرافات و جرایم از باب پیشگیری از وقوع آنهاست که خانم دلماس مارتی از آنها به پدیده مجرمانه تعبیر نموده است. وی سیاست جنایی را به مجموعه ی شیوه هایی تعبیر می کند که هیأت اجتماع پاسخ های مختلف به پدیده مجرمانه را از طریق آنها سامان می بخشد (لاژرز، ۱۳۸۲، ۹). سیاست جنایی در این مفهوم هم به وسایل «اقتناع آور» و هم به وسایل «الزام آور و قهرآمیز» عنایت دارد (نجفی، ایراندآبادی، ۸۲-۱۳۸۱، ۱۰۶۶).

در فقه جزایی نشأت گرفته از اندیشه های امام علی (ع) زمینه های رشد و تعالی آدمی در پرتوی پیشگیری از جرایم و انحرافات ظهور و نمود می یابد. به بیان دیگر از بین بردن زمینه های بزهکاری و انحراف خود مقدمه و مدخلی برای فعلیت یافتن و تحقق زمینه ها و فرصت های هدایت و کمال آدمی و دسترسی او به عبودیت و سعادت واقعی است. از این رو پیشگیری از جرم و انحراف در جهت تحقق این هدف غایی، ارزش و اهمیت والایی دارد. البته آنچه مدنظر است مقصود از پیشگیری، اقدامات غیر کیفری است که در مقایسه با اقدامات کیفری اهمیت بیشتری دارند. زیرا این اقدام ها فاقد سزاهندگی می باشند. امام علی (ع) هم به مقتضای شان امامت و ولایت و هم به لحاظ شأن حاکم بودن، هر چند کوتاه مدت به مسأله ی پیشگیری از جرم و انحرافات توجه خاصی داشتند. ایشان چندین بار این امر را خاطر نشان ساخته اند (خسروی، ۱۳۸۷، ۳۴).

سیاست های حاکم بر فقه جزایی در دوران حکومت امام علی (ع) مایه ی سعادت دنیایی بشر است. حضرت می فرماید که حتی اگر به خدا و قیامت اعتقادی و از آن ترسی نباشد، باز هم لازم است آدمیان به اخلاق درست روی آورند. زیرا این امر مایه رهایی و رستگاری آنهاست (ری شهری، ۱۳۸۴، ۱۱، ۱۹۳) ایشان مبارزه با رذایل اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی را لازم دانسته و سرچشمه ی بسیاری از شرارت ها پلیدی ها و فجایع را در رذایلی همچون حسد و بغض خودبرتر بینی تفاخر و غرور بیجا می دانست و توجه به خودسازی و حسابرسی نفس را باعث سلامت فرد و جامعه می داند. سفارش های ایشان در زمینه ی خودسازی، تقوا، زهد، ایثار، همدلی و همراهی، تحمل، صبر، عفاف، پرهیز از دنیا پرستی و آز، همه در جهت پرورش اخلاقی فرد و جامعه و نقشی است که این مهم در پیشگیری از بزهکاری دارد (خسروی، ۱۳۸۷، ۳۴)

گلچین سخنان ایشان در باب پیشگیری از جرم و انحراف:

«إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ، وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ» همانا خداوند محمد درود خدا بر او و خاندانش باد را هشدار دهنده به جهانیان و امین وحی و قرآن بر انگیخت (نهج البلاغه خطبه ۲۶).

«سِلَاحُ الشَّرِّ الْحَقْدُ» کینه توزی سلاح شرارت است (آمدی، ۱۴۱۰، ۴، ۱۲۹).

«سَبَبُ الْفِتَنِ الْحَقْدُ» کینه توزی علت فتنه هاست (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱).

«الْحِرْصُ مُوقِفٌ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْعُيُوبِ» آز، آدمی را در ناهنجاریهای بسیاری قرار میدهد (آمدی ۱۴۱۰، ۱، ۲۹۴).

«فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِّ وَالْجَنَّةِ وَ فِي غَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَّا فَصُونَهَا وَ تَصُونُوا بِهَا» به درستی که تقوای الهی در این دنیا مانع از بدبختی و نابودی و سپری در مقابل انحرافات و در آخرت راه رسیدن به بهشت است. آگاه باشید از تقوا مراقبت و خویشتن را با آن حفظ کنید (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَةُ» کسی که بسیار یاد آخرت کند گناهش کاهش یابد (آمدی ۱۴۱۰، ۵، ۳۶۵).

«أَلَّا فَادْكُرُوا هَادِمَ الذَّاتِ وَ مَنْفَصِ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعِ الْأَمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ» به هوش باشید. مرگ را که نابود کننده ی لذت ها و شکننده ی شهوت ها و قطع کننده ی آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت به یاد آورید (نهج البلاغه، خطبه ۹۹).

«أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ».

سفارش میکنم شما بندگان خدا را به تقوای الهی که برای بیداری شما مثل های پندآموز آورده (نهج البلاغه، خطبه ۸۳).

«فَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَاباً وَنَوَالاً وَكَفَى بِالنَّارِ عِقَاباً» پس بهشت برای پاداش نیکوکاران سزاوار و جهنم برای کیفر بدکاران مناسب است (نهج البلاغه، خطبه ۸۳).

«أَنْ تُتَّقَى اللَّهَ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَحَارِمُهُ» ای بندگان خدا همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

«أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِشَرِّ الشَّرِّ الْمَاعِقَابَهُ» چیزی بدتر از شر و بدی نیست جز کیفر و عذاب آن (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۳ - بازپروری و اصلاح مجرمان از دیدگاه فقه جزایی علی (ع)

استناد به حالت خطرناک که منجر به رویکردهای افتراقی سیاست جنایی میشود. ریشه در مکتب تحقیقی دارد. اما پس از آن در جرم‌شناسی بالینی محور، مطالعه مجرم برای اصلاح و درمان او قرار گرفت. سپس در اواخر سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر مارک آنسل در مکتب دفاع اجتماعی نوین، مبنای بازپروری و اصلاح افراد دارای حالت خطرناک در مفهوم عام گردید. سیاست جنایی اصلاح و درمان از جمله رویکردهای کرامت‌مدار به حساب می‌آید که البته طرق غیر کیفری آن مدنظر است، که در قالب سیاست‌های تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی متبلور می‌شود. از جمله روش‌های بسیار مهمی که در روش‌های برخورد امام علی (ع) با مجرمان به دست می‌آید این است که امام به صرف اجرای مجازات بسنده نکرده، بلکه می‌کوشیدند تا موجبات سازگاری و اصلاح آنان را فراهم آورند. در سیره ی قضایی امام توجه به ریشه‌ها، علل و عوامل بزهکاری از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به همین جهت در صدد خشکاندن ریشه این علل و عوامل از طریق اصلاح و بازپروری مجرمان بوده است. سخنی گزاف نیست اگر گفته شود که فقه جزایی اسلام در دوران امام علی (ع) پایه گذار زندان‌های اصلاحی بوده و این ادعا در سخن برخی از دانشمندان که امام علی (ع) پایه گذار اندیشه ی ایجاد زندان اصلاحی در تاریخ بشریت می‌دانند هویدا است (وائللی ۱۳۶۲، ۲۷۳). از برنامه‌های اجباری دو زندان «نافع» و «مخیس» تنظیم و اجرای برنامه‌های تهذیبی و تربیتی، آموزش قرآن، فرا گرفتن دانش، خواندن و نوشتن بوده است.

اجازه حضور زندانیان در نماز جمعه از دیگر اقدامات اصلاحی فقه امامیه بوده است (نوری، ۱۳۱۹، ۱۷، ۴۰۳).

فرازی از سخنان ایشان در باب بازپروری و اصلاح مجرمان:

« مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ » کوشش در جهت اصلاح مردم از برترین سعادت هاست (آمدی، ۱۴۱۰، ۴، ۳۰).

« آخر الدواء الكي » مجازات همواره آخرین رتبه و مرتبه در برخورد با ناهنجاری فرد است (نهج البلاغه خطبه ۱۶۸).

- نامه امام به مالک «و مهربانی بر رعیت و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همگان را برای دل خود پوششی گردان و چون جانوری شکاری مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا رعیت دو دسته اند یا برادر دینی تواند یا همانند تو در آفرینش» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

«اللَّهُمَّ أَنْكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنْ مَنَافَسَةِ فِي السُّلْطَانِ وَلَا التَّمَاسِ شَيْ مِنْ فَضْلِ الحُطَامِ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينَكَ وَ تَظْهَرُ الْإِصْلَاحُ فِي بِلَادِكَ نَهْيًا مِنْ الْمَظْلُومِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» پروردگارا تو خود شاهدهی آنچه از ما صادر شد نه از میل و رغبت در سلطنت و خلافت بود، بلکه برای این بود که آثار دین تو را بازگردانیم و اصلاح و آسایش در شهرهای تو برقرار کنیم» (نهج البلاغه خطبه ۱۳۱).

با دقت نظر در سخنان حکیمانه امام روشن می شود که هدف ایشان اصلاح و به سامان در آوردن امور اجتماعی و فردی است. حتی اهداف مجازات ها نیز صرفاً با هدف بازدارندگی و سزادهنگی نیست، بلکه بازپروری در سطح فردی و ایجاد نظم و امنیت عمومی برای هدف غایی شکوفاسازی استعدادهای انسانی است.

۴- نقش جامعه مدنی در سیاست جنایی علی (ع)

سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد عوامل تقویتی دیگری غیر از پلیس یا قوه قضاییه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی است که به وسیله ی قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می گردد. مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می افزاید شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی افزون بر رفع

دل نگرانی‌های مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن به معنای این است که امروزه پیشگیری و پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند (لازرز، ۱۳۷۵، ۱۲۳، ۱۲۴).

در الگوی فقه جزایی امام علی (ع)، مردم نقش بسیار سازنده و حساس دارند به گونه‌ای که می‌توان آن را از بهترین الگوهای سیاست جنایی مشارکتی دانست. امام بهترین حکومت را حکومتی می‌داند که در آن یکایک مردم از احساس مشارکت و مسؤولیت بسیار بالایی برخوردار باشند. از نصیحت به حاکمان و زمامداران کوتاهی نورزند، بین خود نصیحت و خیرخواهی داشته باشند و در صورت لزوم حاکم را یاری رسانند. از دیدگاه اولین و توانمندترین جرم‌شناس در برهه تاریخ در پرتو تحقق مشارکت واقعی مردم است که زمینه‌های انحراف و بزهکاری از بین می‌رود و عدالت واقعی تحقق می‌یابد. در غیر این صورت باید همچنان منتظر نابودی و فساد جامعه بود. امام در این خصوص از سویی مشارکت را حق مردم می‌داند که حکومت باید آن را رعایت نماید و از سوی دیگر، مشارکت را تکلیف و وظیفه‌ی همگانی بر می‌شمرد و مردم را به ادای آن فرا می‌خواند، سفارش‌های ایشان درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر از همین جهت است. وی آشکارا بیان می‌کند که اگر مردم در انجام این تکالیف کوتاهی ورزند، فساد و شرارت جامعه را فرا می‌گیرد (خسروی ۱۳۸۷، ۸۴). گوشه‌ای از فرمایشات ایشان در این باب:

« لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَّى عَلَيْكُمْ شَرَارُكُمْ » امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان بر شما مسلط می‌شوند (نهج البلاغه نامه ۴۷). در سیاست‌های فقه جزایی امام علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مترقی‌ترین نهاد برای مشارکت عامه مردم در پیشگیری از جرم تدارک دیده شده است و همه مسلمانان در سراسر جهان به صورت یک عضو فعال در آن شرکت دارند، به گونه‌ای که بزرگترین فرد در جامعه اسلامی می‌تواند از ناحیه‌ی عادی‌ترین فرد جامعه مورد امر و نهی قرار گیرد تا کسی در جامعه از اخلاق، قانون و دستورهای شریعت مقدس تخلف نکند، در سخن‌گراں‌های دیگر می‌فرماید: « كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ » همه را مسؤول پنداشته‌اند (مجلسی، ۷۲، ۳۸، ۱۱۱۰).

۵- همسویی ره یافته‌های مکاتب حقوقی با آموزه‌های حقوقی علی (ع)

اصولی همچون قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که خود مادر دو اصل دیگر یعنی «اصل عطف به ماسبق نشدن» و «تفسیر مضیق قوانین جزایی» است، اصل ضرورت جرم‌انگاری (فرعی بودن جرم‌انگاری)،

اصل تفرید مجازات ها، اصل مناسب بودن تعقیب، حقوق مدنی و دولت قانون مند و.... دست آوردهای مکاتب حقوقی همچون مکتب کلاسیک، اثباتی و.... است. لکن در فقه جزایی اسلام به طور عام و در فقه جزایی حاکم در دوران امام علی (ع) به طور خاص این اصول به شدت مورد تأکید قرار گرفته است.

گذری بر آنچه از امام علی (ع) به دست ما رسیده است به خوبی این امر را روشن می سازد که قرن ها قبل از آن که اندیشمندان مکاتب پیش گفت این اصول را مطرح کنند امام علی (ع) به اجرای این اصول تأکید فرموده و کارگزاران را به رعایت آنها امر می فرمودند و در فقه جزایی ما به رعایت آنها بسیار تأکید شده است.

۵-۱- جایگاه اصل قانون مندی در فقه جزایی امام علی (ع)

بر طبق این قاعده فقهی، مادام که عملی توسط شرع نهی نگردیده و آن نهی به مکلف ابلاغ نشده، چنانچه شخصی مرتکب گردد، مجازات او عقلاً قبیح و زشت است (محقق داماد ۱۳۸۷، ۳، ۴) فقیه عصر، آیت الله العظمی خویی (ره) می فرماید: « اِنَّ الْعَقَابَ عَلَىٰ مُخَالَفَةِ التَّكْلِيفِ الْغَيْرِ الْوَاصِلُ مِنْ اَوْضَحِّ مَصَادِقِ الظُّلْمِ » (خویی، ۱۳۸۶، ۲۵۴). خاستگاه اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها که ممانعت از خودسری قضات و اختیارات بی قید و شرط آنان در اعمال کیفر نسبت به بزهکاران است به خوبی در روایات منقول از حضرت علی (ع) مشهود است. امام علی (ع) با بیان این نکته که حکومت کردن هدف نیست، بلکه وسیله ای در جهت تحقق اهداف عالی تر است. از جمله این اهداف را اجرای عدالت از طریق قانون بیان می کنند.

پایبندی به حجت و دلیل شرعی را در صدور (متمم) اصل قانونی بودن می داند که از مبانی و اصول راهبردی فقه جزایی اسلام است. امیر المؤمنین (ع) رعایت دقیق آن از سوی کارگزاران را الزامی می داند که اهم بیانات ایشان در این خصوص بیان می شود ایشان در قسمتی از نامه ی خود به مالک اشتر، اموری را در مورد نصب قضات متذکر میشوند و می فرمایند «از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسانی که مراجعه ی فراوان آنها را به ستوه نیاورد و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهند و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کنند و بر مبنای دلیل قاطع و مبنای شرعی حکم کنند». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

« اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرْ الْعَسْفَ يَعْور بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ » عدالت را بگستران و از ستم‌کاری پرهیز کن که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد (نهج البلاغه، حکمت).
 « لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا وَرَعَ كَالْوَقُوفِ عِنْدَ الشَّيْءِ » سرمایه‌ای سودمندتر از عقل نیست
 و پارسایی چون پرهیز از شبهات (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶).

۵-۲ - ضرورت جرم‌انگاری از منظر فقه جزایی علی (ع)

هاتفی از گوشه میخانه دوش گفت ببخشند گُنه، می بنوش

لطف خدا بیشتر از جرم ماست نکته سر بسته چه دانی، خموش (دیوان حافظ).

اصل فرعی بودن جرم‌انگاری مبین این امر است که حقوق کیفری کرامت محور که پاسداری از حرمت و کرامت افراد، دل مشغولی سیاست‌گذاران کیفری است، در هر مورد از جرم‌انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از آزادی‌ها و حقوق افراد وجود داشته باشد که بر مفسده‌ی ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها چیرگی داشته باشد. به عبارت دیگر جرم‌انگاری، در مجموع باید مایه‌ی افزایش خودمختاری و حرمت و حیثیت شهروندان گردد. چنین دیدگاهی در سیاست جنایی اتخاذی از ناحیه علی(ع) موج می‌زند و هیچ‌اصراری به جرم‌انگاری بی‌حد و حصر رفتار شهروندان در این سیاست وجود ندارد. در تأیید این ادعا به چند مورد از سخنان و توصیه‌های ایشان بسنده می‌شود حدیث معروف «آخر الدواء الکی» به تنهایی می‌تواند گویای دیدگاه فقه امامیه در باب حقوق کیفری باشد. به فرموده ایشان مجازات همواره آخرین رتبه و مرتبه در برخورد با ناهنجاری فرد است (نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶۸).

« لَا يَكُونُ الْعُمَرَانُ حَيْثُ يَجُوزُ السُّلْطَانُ » در جایی که حکومت ستم کند آبادانی وجود نخواهد داشت. (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۹، ۶، ۳۵۴).

« اتأمرونی انْ اَطْلُبُ النِّصْرَ بِالْجَوْرِ » آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود (تسلط بر مردم) از جور و ستم درباره ی امت اسلامی استفاده کنم (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

« وَلَا تَطْلُبَنَّ مُجَازَاةَ أَخِيكَ وَلَا حَثَّ التُّرَابِ بِفِيكَ » خواستار کیفر برادرت مباش، گرچه خاک در دهان تو ریزد (حرانی، ۱۳۷۶، ۷۸).

« فَاِذَا اسْتَحَقَّ اَحَدُ مِنْهُمْ ذَنْبًا فَاحْسَنِ الْعَدْلَ فَاِنَّ الْعَدْلَ مَعَ الْعَفْوِ اَشَدُّ مِنَ الضَّرْبِ لِمَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ » چون جرم کسی نزد تو ثابت شد عدالت را به نیکی اجرا کن، زیرا عدالت همواره با عفو برای انسان عاقل، شدیدتر (کارسازتر) از اجرای مجازات است (حرانی، ۱۳۷۶، ۸۳).

« قُلْهُ الْعَفْوُ أَفْبَحَ الْعُيُوبِ وَ السَّرْعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ » زشت ترین عیوب، کم عفو کردن و بزرگترین گناه سرعت گرفتن در انتقام جویی است (آمدی، ۱۴۱۰، ۴، ۱۳۳).

همان گونه که ملاحظه می گردد جرم انگاری در نگاه علی (ع) شدیداً وابسته به نوع جرم ارتكابی و به لحاظ اینکه کدامین ارزش و هنجار شرعی و مقبول اجتماعی نقص می گردد متفاوت است. بنابراین در فقه جزایی اسلام، وجود سیستم کیفری هر چند ضروری و لازم است، هیچگاه تقدم آن را در مقام عمل و اجرا نمی رساند و در سیاستهای فقه جزایی علی (ع) جرم انگاری تعقیب و مجازات، داروی زجرآور و ناخوشایندی است که تنها راه چاره و درمان بزهکاری است که دیگر ترفندها در مورد او بی اثر بوده است و این مهم از سخن ایشان نسبت به بزهکاران که فرموده است « ارید ان ادأوی بکم » می خواهم شما را مداوا کنم، هویدا است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰).

۵-۳- بررسی سیاست مناسب بودن تعقیب در سیاست جنایی امام علی (ع)

تعقیب جرایم مهمترین وظیفه ی دستگاه قضاست. از این تکلیف به عنوان اصل «قانونی بودن» یا «الزامی بودن تعقیب» یاد میشود. اما با در نظر گرفتن ملاحظات دیگری ممکن است مقام تعقیب را به این نتیجه برساند که خودداری از ادامه ی تعقیب به صلاح متهم و جامعه است. از این روی در حالی که تعقیب کیفری متهم باید مفید فایده و مناسب باشد، اصل دیگری به نام «موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب» شکل گرفته که مکمل اصل نخست است. با بررسی دیدگاه های آن امام همام، به کرات مطالبی ذکر شده است که به طور مستقیم و غیر مستقیم بیانگر اصل مذکور در فقه اسلامی است. در ذیل به برخی از آنها اشاره میشود: « فَاِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَاِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ » همانا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مبدا آنچه را بر تو پنهان است آشکار گردانی و باید آنچه را هویدا است، بپوشانی (نهج البلاغه نامه ۵۳).

« اَنَّمَا يَنْبَغِي ... اَنْ يَرْحَمُوا اَهْلَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعْصِيَةِ » سزاوار است که اهل جرم و گناه، مورد رحم و شفقت قرار گیرند (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷).

« واشعر قلبك الرحمة للرعية، وَ المحبة لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ فاعطهم مِنْ عَفْوِكَ وَ صفحك مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى اَنْ يَعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ » دلت را محل لطف و رحمت و محبت به مردم قرار بده ... پس با عفو و بخشش چنان با ایشان برخورد کن که دوست داری خداوند با تو برخورد کند (نهج البلاغه نامه ۵۳).

۶- همسویی یافته‌های جرم‌شناسان با فقه جزایی و سیاست جنایی علی (ع)

در حقیقت از بدو و پیدایش حقوق جزا از حدود ۴۰۰۰ سال قبل اندیشمندان و مصلحین اجتماعی به دنبال کشف علل جرم هم بوده‌اند. البته تردیدی نیست که همه علوم تا قرن هیجدهم میلادی آمیخته با اوهام و خرافات بودند. جرم‌شناسی نیز آمیخته با عقاید خرافی بود. زمانی که دنیای مدعی تمدن امروز در گذشته‌ی نه چندان دور جرم را ناشی از حلول روح شیطان در وجود مجرم تلقی می‌کردند، فقه جزایی اسلام، حدود چهارده قرن قبل، از زبان اسطوره‌ی عدالت، ناب‌ترین نظریات جرم‌شناسی را مطرح فرموده‌اند که آموزه‌های ایشان، امروزه در قالب نظریات گوناگون جرم‌شناسی مطرح شده‌اند به بررسی چند نظریه و تطبیق این نظریات با سیاست‌های فقه جزایی علی(ع) پرداخته می‌شود.

۶-۱- نظریه تقلید و معاشرت ترجیحی

۶-۱-۱- نظریه تقلید

واضع نظریه تقلید، آقای گابریل تارد است. تارد در مورد قوانین تقلید، ریال معتقد است که انسانها جرم و نحوه‌ی ارتکاب آن را فرا گرفته و تقلید می‌کنند این تقلید سه رکن دارد که به طور خلاصه عبارتند از:

الف: انسان‌ها متمایل هستند از افراد فرادست خود تقلید کنند. به طور مثال، در مورد تاریخچه جرم‌هایی مانند ولگردی، مستی معتقد است که البته این جرایم توسط خاندان سلطنتی ارتکاب یافته است و سپس از سوی مردم عادی مورد تقلید قرار گرفته است.

ب: انسانها از افراد نزدیک‌تر به خود تقلید می‌کنند. همزیستی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، افراد را به تقلید از هم وامی‌دارد.

ج: همان گونه که انسانها در امور مادی تابع مد هستند، در امر بزهکاری هم مرتکبین جرم از هر موقعیت جدیدی برای ارتکاب جرم استفاده می کنند و شکل جدید جرم را مرتکب می شوند (نجفی ابرند آبادی، ۸۳-۱۳۸۲، ۱۲۴۸).

۶-۱-۲- نظریه معاشرت های ترجیحی

واضح این نظریه که به نظریه ی افتراقی نیز معروف است، پروفیسور ادوین ساترلند است. خلاصه ی این نظریه این است که جرم همانند دیگر اعمال فراگرفتنی است و به عنوان یک خصیصه ی اکتسابی از طریق فراگیری وارد شخصیت فرد می شود. کسانی که در یک زیست بوم، جرم را مرتکب جرم می شوند، کسانی هستند که این امر را فرا می گیرند. فراگیری رفتار مجرمانه در تماس با اشخاص دیگر صورت می گیرد.

۶-۱-۳- جایگاه دو نظریه موصوف در فقه جزایی علی (ع)

در دیدگاه امام علی اطرافیان تأثیر فراوانی بر شخصیت آدمی دارند و سعادت و شقاوت او را رقم می زنند. همنشینان فاسد و ناباب، جدا از آن که می توانند عرضه کننده ی الگوهای رفتاری ناصواب و منحرفانه باشند از طریق همراهی، تأیید و تقویت رفتارهای نابخردانه آدمی، به گمراهی بیشتر او کمک می کنند.

«ایاک و معاشره الاشرار فانهم کالنار مبشّرتها تحرق» از همنشینی با پلیدان بهره‌یز، زیرا اینان به آتشی می مانند که ارتباط نزدیک با آنان سوزاننده است (مجلسی، ۱۱۱۰، ۶، ۲۸۹).

«لایامن بجالسوا الاشرار غوائل البلاء» همنشینان بدان، از آثار و پیامدهای بلا ایمن نیستند (مجلسی، ۱۱۱۰، ۶، ۴۱۱).

«ایاک و مصاحبه الفساق فان الشر بالشر ملحق» از همراهی با پست صفتان بهره‌یز، زیرا پستی به یتی پیوند می خورد (نهج البلاغه نامه ۶۹).

«جانبوا الاشرار و جالسوا الا» از پلیدان دوری گزینید و با نیکان همنشین شوید (آمدی، ۱۴۱۰، ۳، ۳۶۲).

«قارن اهل الخیر تکن منهم و باین اهل الشر تبین عنهم» با نیکان همراه شو تا از آنان شوی و از بدان دور شو تا از آنان جدا شوی (آمدی، ۱۴۱۰، ۴، ۵۱۴).

«النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» مردمان به حاکمان و پیشوایان خود شبیه ترند تا به پدران خود (مجلسی، ۱۱۱۰، ۷۸، ۴۶) «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» مردم به دین پادشاهان خود هستند (اربلی، ۸۶۲، ۲، ۲۱).

۶-۲- جایگاه نظریات کنترل اجتماعی و خودکنترلی در فقه جزایی علی (ع)

واضح این نظریات آقای نای و هیرشی و گادت فردسون هستند. خلاصه این نظریات این است که افزایش جرایم در جامعه، ریشه در نبود کنترل اعم از کنترل مستقیم، کنترل غیر مستقیم، کنترل های درونی شده (خودکنترلی) و کنترل بر فرصت ها دارد و اعتقاد بر این است که در افراد مجرم، پلیس باطن یا وجدان درونی، فرآیند تربیت و آموزش و پرورش و جامعه پذیری به خوبی نهادینه نشده است. و افزایش خودکنترلی منجر به سطوح پایین جرم میشود. از اولویت ها و برنامه های سخنان و سیره امام علی (ع) در جهت کنترل پدیده ی مجرمانه تصحیح ارتباطات اجتماعی و کوشش در جهت بهینه سازی فرایند اجتماعی شدن و جامعه پذیری است. ایشان در زمینه ی خودکنترلی نیز، تقوای الهی را مרכی رام و مطیع و راهوار می داند که آدمی را به سرمنزل سعادت می رساند. از دیدگاه ایشان تقوای الهی عامل درونی بسیار قوی و پناهگاهی محکم و بلند است که پناهندگان خود را از سقوط و گمراهی محافظت می کند و ریشه ی همه ی گناهان و جرایم را می زداید و انسان را از هر نابودی می رهند (خسروی، ۱۳۸۷، ۵۷).

در این زمینه چند مورد از دیدگاه های ایشان بیان میشود.

«وَأَبْعَثُ الْعِیُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنْ تَعَاهَدَكَ فِي السِّرِّ لَامُورَهُمْ حَدُودَهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّقْفُ بِالرَّعِيَةِ» سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و ناظرانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی تو از کار آنان سبب امانت داری و مهربانی با رعیت خواهد بود (نهج البلاغه نامه ی ۵۳).

«عَلِّمُوا صَبِيَانَكُمْ مَا تَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمْ وَالْمَرْجئهُ بَرَايَهَا» به کودکانتان دانشی بیاموزید که برایشان مفید باشد تا صاحب افکار باطل آنان را گمراه نسازد (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۹، ۱، ۱۱۱).

«فَبَادِرْ تَكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ» قبل از آن که قلبت سخت شود به تربیت تو اقدام کردم (نهج البلاغه نامه ۳۱) خطاب به امام حسن (ع) «فَإِنْ تَقَوَّى اللَّهُ نَجَاةً مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ» همانا تقوای الهی منجی آدمی از کل بلایا است (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰).

« اِذَا قُلْتُ الطَّائِفَاتُ كَثُرَتِ السَّيِّئَاتُ » هنگامی که اطاعت از فرمان های خداوند کم شود، گناهان افزایش می یابد (آمدی، ۱۴۱۰، ۳، ۱۲۷).

۶-۳- تطبیق نظریه رابطه علقه پیوند اجتماعی با فقه جزایی علی (ع)

این نظریه با نام هیرشی عجین است. در این نظریه اعتقاد بر این است که انسان ذاتاً منحرف است. ناهمناوی و پشت کردن به هنجارها در ذات انسان هاست. اصل بر این است که انسان هنجار شکن است و همناوی و قانون گرایی استثناء است (نجفی ابرند آبادی ۱۳۸۳، ۱۲۹۱) لذا سؤال اصلی این است که چرا عده ای همنا با قانون هستند و به عبارت دیگر چه چیزی باعث می شود، انسان قانون گرا بشود. آقای هیرشی معتقد است که چهار عامل اساسی باعث همناوی بیشتر میشود:

الف- وابستگی: هر قدر میزان وابستگی فرد به مدل های زندگی مانند پدر و مادر، استاد و... بیشتر باشد، همناوی بیشتر میشود.

ب- تعهد: زمانی که فرد نسبت به تعهدات خود دغدغه دارد کمتر مرتکب جرم میشود.

ج- درگیر بودن: منظور دل مشغولی داشتن به یک امر اجتماعی است.

د- اعتقاد به اعتبار و مشروعیت هنجارهای مشترک: اگر تابعان قانون انتظارات و خواسته های خود را در قانون متبلور ببینند احترام بیشتری به قانون میگذارند.

از دیدگاه فقیه جرم شناس و جامعه شناس قوام و بقای اجتماع به کمیت و کیفیت پیوندهای افراد آن بستگی دارد. به نظر ایشان از جمله اقداماتی که باید در سطح عموم ترویج و تبلیغ کرد، اقداماتی است که به گسترش و تقویت پیوندهای اجتماعی منجر میشود همچنین در نظر ایشان از جمله علل و اسباب فجور را «خلوت ها و عزلت گزینی می دانند و افراد را از آن پرهیز می دهد و بسیاری از فرصت های ارتکاب بزه در نظر حضرت از فراغت حاصل می گردد به منظور اثبات همسویی این نظریه با دیدگاه های امام علی(ع) چند فراز از فرمایشات ایشان بیان می شود:

«مقاربه النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ» نزدیک شدن به اخلاق مردم (همناوی و جامعه پذیری) سبب ایمنی و آسودگی است (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱).

«لِيتَّاسِ صَغِيرٌ كَمِ بَكْبِيرٍ كَمِ وَ لِيرَافَ كَبِيرٌ كَمِ بِصَغِيرٍ كَمِ وَ لَا تَكُونُوا كَقِيضِ بَيْضٍ فِي أَدَاحٍ يَكُونُ كَسْرًا وَ زُرًّا وَ يَخْرُجُ حِضَانُهَا شَرًّا» باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند و بزرگسالان نسبت به

خردسالان مهربان باشند (وابستگی).... همانند تخم افعی در لانه پرندگان نباشید که شکستن آن گناه و ننگ داشتن آن شر و زیان بار است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶).

«و خیر الناس فی حالاً النمط الاوسط فالزموه السواد الاعظم فان یدا . . . مع الجماعه و ایاکم والفرقه فان دشاد الشاد من الناس للشیطان کما ان الشاد من الغنم للذئب» بهترین مردم نسبت به من گروه میانه رو هستند. از آنها جدا نشوید همواره با بزرگترین جمعیت ها باشید که دست خداوند با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان های تنها، بهره شیطان است همان گونه که گوسفند تنها، طعمه ی گرگ خواهد بود (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

«من الفراغ تكون الصبوه» سبک سری از فراغت حاصل میشود (آمدی، ۱۴۱۰، ۶، ۱۰).

۶-۴- جرم شناسی واکنش اجتماعی و جایگاه آن در فقه جزایی علی (ع)

این نظریه که زیر شاخه های متعددی دارد بر این اعتقاد است که واکنش اجتماعی، خود جرم ز است و به ویژه می توان ریشه ی برخی از تکرار جرم ها را در ماهیت قانون مجازات و نحوه ی اعمال واکنش اجتماعی جستجو کرد. این دیدگاه ها به دنبال علل شخصی ذاتی محیطی و روانی ارتکاب جرم نیستند. بلکه برای پی بردن به علل ارتکاب جرم نهادهای واکنشی را زیر سوال میبرند.

واکنش اجتماعی نامناسب فرد منحرف را از جامعه منزوی می کند و هویت اجتماعی او را تخریب می کند و به قول آقای لی مرت: انحراف یا جرم نیست که به مجازات یا کنترل اجتماعی ختم می شود. بلکه کنترل اجتماعی و مجازات است که به انحراف «ثانویه» ختم میشود (نجفی ابرند آبادی، ۸۳-۱۳۸۲، ۱۲۹۹).

یکی از محاسن فقه امامیه و در رأس آن سیاست های فقه جزایی امام علی (ع) در نحوه ی برخورد با جرایم است. بدین نحو که ضمن جرم انگاری برخی رفتارها، به منظور حفظ نظم اجتماعی، هم حاکمان و هم افراد را به پرده پوشی و فاش نکردن و عدم برخورد با این جرایم دعوت کرده است و فلسفه ی این سیاست را این گونه برشمرده است -۱- پیشگیری از تثبیت پایگاه منحرفانه در فرد (برچسب زنی) ۲- حفظ آبروی مؤمن و تشویق او به توبه، بیم تجری دیگران، - جلوگیری از اشتغال فرد به فساد و ... در ذیل برخی از سفارشات حضرت در خصوص نحوه واکنش به جرایم بیان می شود.

۶-۴-۱- سفارشات ایشان به عفو مرتکب

«اولی النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعَقْرِه» سزاوارترین مردم به عفو کسی است که قدرت بیشتری بر مجازات داشته باشد (حاکم) (نهج البلاغه، حکمت ۴۹).

«فَعَفَوْتُ عَنْ بَجْرَمِكُمْ وَ رَفَعْتُ السَّيْفَ عَنْ مَدْبِرِكُمْ وَ قَبِلْتُ عَنْ مَقْبَلِكُمْ»، مجرمان شما را مورد عفو قرار دادم و شمشیر را از تعقیب فراریان برداشتم و روی آوردگان شما را پذیرفتم (نهج البلاغه نامه ۲۹).

«ادرووا الحُدُودَ بِاشْبِهَاتِ مَا سَتَّطَعْتُمْ، فَإِنْ وَجَدْتُمْ لِمُسْلِمٍ مَخْرَجًا نَخْلُو سَبِيلَهُ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَأَنْ يَخْطِئَ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَخْطِئَ فِي الْعُقُوبَةِ» در موارد شبهه تا آنجا که می توانید از اجرای حدود خودداری کنید. اگر راهی برای عدم اجرای حد درباره ی مسلمانی بود او را رها کنید. زیرا اگر امام در عفو اشتباه کند، بهتر است تا آن که در اجرای مجازات دچار اشتباه گردد (مجلسی، ۱۱۱۰، ۴۰، ۲۹۲).

۶-۵- نوع واکنش از دیدگاه حضرت

«مَا كُلُّ مَفْتُونٍ يُعَاتَبُ» هر فریب خورده ای را نمی توان سرزنش کرد (نهج البلاغه، حکمت ۱۵).

«وَيَحِكُّ لَعَلَّكَ ظَنَنْتَ قَضَاءً لَازِمًا وَ قَدَرًا حَاتِمًا» وای بر تو گویی پنداشته ای که قضا و قدر الهی جبری و انعطاف ناپذیر است (نهج البلاغه، حکمت ۷۵).

«أَنَّمَا يَنْبَغِي... أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعْصِيَةِ» سزاوار است که اهل جرم و گناه مورد رحم و شفقت قرار گیرند (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰).

ایشان در مورد اقدام فردی به زنا ناراحت شده و فرمودند چقدر قبیح است که فردی از شما مرتکب این گونه جرایم شود و خود را در حضور مردم رسوا نماید. آیا نمی تواند در خانه اش توبه نماید. به خدا قسم توبه ی این فرد بین خود و خدا بهتر از اقامه ی حد توسط من بر او است (کلینی، ۱۳۶۹، ۷، ۱۸۸).

«مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» چشم پوشی از بهترین کارهای بزرگواران است (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹).

۶-۶- سیاست جنایی افتراقی علی (ع) در واکنش علیه یقه سفیدها و یقه آبی ها

در مطالعه ی بزهکاری با دو گروه از بزهکاران مواجه می شویم دسته ی اول کسانی هستند که علاوه بر فقر فکری و فرهنگی دارای فقر مالی و اقتصادی شدید نیز هستند و به همین جهت مرتکب جرم

می‌شوند. این دسته بسیار راحت‌تر از سایر گروه‌های اجتماعی، برچسب مجرمانه می‌خورند. بسیاری از مطالعات انجام شده در زمینه ی جرم و پیشگیری به عواملی مانند: فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مشکل مسکن، اعتیاد و امثال آنها اشاره دارند. متأسفانه این نحوه ی طرح بحث یک پیام ضمنی دارد که جرایم نوعاً به دست طبقات محروم و ضعیف جامعه ارتکاب می‌یابد. اکثر نظریات جرم‌شناختی نیز بر این مبنا استوار شده است. حتی دیدگاه‌های جرم‌شناسی سوسیالیستی نیز که خود را طرفدار توده می‌داند و تقابل و تضاد طبقاتی را مورد عنایت قرار می‌دهد نیز تعارض میان طبقات بورژوا و پرولتاریا را موجب طغیان و بزهکاری توده می‌داند و همین ایده را دنبال می‌کند در مقابل، یقه سفیدان هستند افراد متمول صاحب نفوذ با نفوذ سیاسی اقتصادی و اجتماعی خود بدون آنکه نوعاً در جامعه ردپایی از خود به جا بگذارند و تحت تعقیب قرار گیرند مرتکب رفتارهای انحرافی و مجرمانه ی فوق‌العاده خطرناک و زیان‌بار می‌شوند. مقابله با بزهکاری این دسته از مجرمان که به دلیل موقعیت خاص خود دارای قدرت و استعداد جرایم خطرناک‌تر هستند و به تعبیر جرم‌شناسان هم دارای ظرفیت جنایی بالا و هم دارای قابلیت انطباق اجتماعی بالایی هستند، تدابیر پیشگیرانه ی ویژه ای را می‌طلبد تفاوت اساسی در نوع جرایم ارتكابی شخصیت اجتماعی مرتکبین جرایم و شرایط ارتکاب به خصوص از جهت دشواری کشف جرایم و اجرای فرایند عدالت کیفری، اتخاذ سیاست کیفری ویژه ای ضرورت دارد (میرخلیلی، ۱۳۹۵، ۳۱۴، ۳۱۵).

در سیاست جنایی امام علی (ع) به سه گروه از یقه سفیدان اشاره شده است: نخست یقه سفیدان درون حاکمیت مانند قضات، والیان، فرمانداران و سایر طبقات مدیریتی موجود درون یک نظام حکومتی که دارای زمینه ی ارتکاب جرایم مهم هستند. از آنجا که این گروه امانت‌دار امت و امام هستند، ارتکاب جرایم از سوی آنان نوعی خیانت در امانت محسوب می‌شود (میرخلیلی ۱۳۹۵، ۳۱۴، ۳۱۵). امام علی (ع) در بیان مهمی می‌فرماید: «وَإِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ، وَ أَفْظَعَ الْغِشِّ غِشُّ الْأُمَّةِ» همانا بزرگترین خیانت خیانت به امت و زشت‌ترین دغل‌کاری دغل‌کاری با پیشوایان است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳، ۵۲۸).

دوم، یقه سفیدان اقتصادی که در میان طبقات مرفه و سرمایه‌داران هستند. این گروه‌ها که به دلیل نفوذ اقتصادی و موقعیت خاص خود به دنبال استفاده از فرصت‌های مجرمانه بوده و جرایمی مانند کلاهبرداری‌های کلان، از بین بردن محیط زیست فروش مواد دارویی یا مواد غذایی غیر مجاز در سطح گسترده، رشاء و امثال آنها را مرتکب می‌شوند امام علی (ع) بازرگانی و تجارت سالم را تأیید و توصیه کرده و

در حکم انتصاب مالک اشتر می فرماید «درباره ی بازرگانان و صنعتگران به تو سفارش می کنم زیرا اینان سرچشمه ی سودها و ابزار آسایش جامعه هستند».

در ادامه ی فراز ذکر شده میفرمایند «در میان آنان افرادی تنگ نظر فوق العاده بخیل و محتکر وجود دارد که در نرخ گذاری وسایل مورد نیاز مردم مطابق میل خود رفتار می کنند چنین وضعی برای مردم زیان بار و برای حاکمان ننگ و عیب است. بنابراین از احتکار جلوگیری کن. به آنان اخطار بده اگر توجه نکردند، آنان را کیفر بده، بدون آنکه افراط و زیاده روی باشد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۸).

امام علی (ع) در مورد جرایم کم اهمیت یقه آبی ها، از اقرار کردن منع می کرد و می فرمود: «آیا نمی توانید گناهی که مرتکب شده اید را فاش نسازید و به آن اقرار نکنید و آن را بپوشانید آنچنان که خداوند پوشانده است؟» (صدوق، ۱۴۱۰، ۴، ۲۱).

ایشان با تعبیر لغزش و بیماری از بزهکاری این گروه می فرماید: «يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطَا، فَأَعْطَاهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفَحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفَحِهِ» (رضی، ۱۴۱۴، ۴۲۷).

در معنای «يفرط منهم الزلل» گفته شده مراد این است که مردم غیر معصوم اند و به طبع دچار اشتباه و خطا میشوند. و در معنای «علل» نیز مقصود، امراض معنوی و باطنی و روحی است و به عبارتی علل، همان اسباب و انگیزه های معاصی است.

در فراز دیگر از عهدنامه، علی (ع) مالک را به تحمل اشتباهات مردم و نادیده گرفتن خطاهای آنان فرا می خواند و می فرماید در مردم عیوبی هست که والی سزاوارترین مردم است به پوشانیدن آنها، پس سعی مکن در ظاهر گردانیدن عیب ها که بر تو پوشیده است زیرا که نیست بر تو مگر آنکه آنچه بر تو ظاهر شود، مردم را از آنها پاک کن و خدا حکم می کند در آنچه بر تو پنهان است پس تا تو عیب پوش مردم باشی خدا آنچه را دوست می داری که از رعیت بپوشانی بر تو بپوشاند» (رضی، ۱۴۱۴، ۴۳۰).

نقد برخی از جرم انگاری های موسع فقهی در قوانین جزایی ایران در پرتو همسوئی سیاست جنایی ایران با فقه امامیه، تغییرات شرایط زمانی و مکانی با تمام ملزومات آن اعم از پیشرفت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه دینی ایران، شکل دهی به یک سیاست جنایی منسجم را در گستره ی اجتماع، انکار ناپذیر نموده است. با توجه به جامعه اسلامی ایران، وجود یک سیاست جنایی که منطبق با آراء و عقاید فقه جزایی امامیه و اقتضائات جامعه کنونی ایران بوده و از طرفی از روشهای علمی

هم دور نماند ضروری به نظر می‌رسد همان گونه که دیدیم سیاست جنایی و فقه جزایی علی (ع) به یک الگوی لیبرال منطقی نزدیک تر است تا به الگوی توتالیتار.

حال که الگوی سیاست جنایی اسلام منبعث از فقه جزایی چهره ای زیبا باز پرورانه پویا و شناور دارد. چرا در نگاه برخی از حقوق دانان و اتفاقاً حقوق دانان بزرگ و از جمله کاشف الگوهای بزرگ سیاست جنایی حاکم بر نظام های حقوقی دنیا خانم "دلماش مارتی" به الگوی توتالیتار تعبیر شده است؟

پاسخ به این سؤال را باید با زبان حقوقی و نه با زبان ژورنالیستی و بیگانه پاسخ داد. ارزیابی نظام های بزرگ حقوقی فقهی و قراردادن آنها در یکی از الگوهای سیاست جنایی متأثر از دیدگاه و موضع شاخه های سیاست جنایی از جمله سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی هر یک از نظام های حقوقی است. سیاست گذاران در کشورهای اسلامی گاهاً در تدوین مواد قانونی (سیاست جنایی تقنینی) اصول مسلم حقوقی، فقهی را نادیده گرفته اند و آنچه مدنظر ماست به طور اختصاصی نقد جرم انگاری موسع فقهی در برخی از مواد قانونی در قوانین جزایی کشور ایران، از جمله اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات است که قانون گذار ضمن نادیده گرفتن اصل قانونی بودن جرم و مجازات قاضی را جهت تعیین مصداق جرم و تعیین مجازات به فقه ارجاع نموده است. این عمل باعث خلق جرم و جعل مجازات می‌گردد. از طرفی مرز بین گناه و جرم به هم ریخته و با ذکر الفاظی همچون عمل حرام به عنوان رفتار مجرمانه، به جرم انگاری گناهان نیز اقدام نموده است و این در حالی است که باز هم به زبان حقوقی و فقهی ارکان جرم را برخی از اعمال حرام ندارند و این امر مورد انتقاد است.

۷ - برآمد و پیشنهاد

تدوین، طراحی و اجرای یک سیاست جنایی علمی، کارآمد و مبتنی بر حقایق زندگی فردی و اجتماعی انسان و آموزش آن، از ضروری ترین نیازهای جامعه است. در این کنکاش به وضوح ملاحظه شده است که میان مبانی نظری فلسفی - ایدئولوژیک قلمرو و منابع نظام هنجاری در سیاست جنایی و فقه جزایی امام علی (ع) با آنچه جرم شناسان و رهبران مکاتب حقوقی طی سالها تحقیق به آن دست یافته اند، همسویی آشکاری وجود دارد و سخن گزافی نیست اگر گفته شود که آنچه انسان در مسیر تکامل به عنوان والاترین هدف خلقت به آن دست یافته قبلاً از زبان انسانی کامل منطبق با واقعیات حیات بشری نقل شده است. سیاست های امام علی (ع) در باب رعایت اصول حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن، مداخله حداقلی

حقوق کیفری، اصل تسامح و تساهل، توجه به پیشگیری از جرایم و انحرافات، بازپروری و جامعه پذیری مجرمین، اتخاذ سیاستهای غیر کیفری و مشارکت فعال جامعه مدنی در مهار پدیده مجرمانه، اجتناب از طولانی شدن سیاهه جرایم، بزه پوشی، رعایت اصل تفرید مجازاتها در برخورد با مجرمین یقه سفید و آبی و مثبت این ادعا است سیاست های ایشان علیرغم گذشت قرن ها از تدوین و ارائه اصول و مبانی و راهبردهای آن همچنان منطبق با نیازهای جامعه امروزی است. بطوریکه میتوان با بهره برداری از آن یک برنامه کارآمد و مؤثر در مقابله با بزهکاری ارائه کرد. سیاستی که ماهیت و کرامت واقعی انسان دغدغه اصلی آن است؛ «آخر الدواء الکی» خود حجتی آشکار بر این مدعاست. برخلاف ادعای نادرست برخی از حقوقدانان فقه جزایی امام علی (ع) به عنوان رأس سیاست جنایی اسلام، سیال و قابل انطباق با تمامی زمان ها و مکان ها است.

«لا تقصر و أولادکم علی ادابکم انکم لمخلوقون لزمان غیر زمانکم» خود دلیلی واضح تر بر این ادعا است. اینها بدان معنا است که تمامی تعالیم و احکام عقیدتی اخلاقی و حقوقی در سیاست جنایی و فقه جزایی علی (ع) که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هنجار انگاری و رفتارهای ناقض و نافی هنجارها و پاسخ پیشگیرانه مربوط می شود به عنوان مجموعه های مرتبط، منسجم و معقول باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد. این مجموعه قطعاً می تواند اساس و پایه شکل گیری یک سیاست جنایی منطقی معقول و کارآمد قرار گیرد و بایسته است تا قانون گذاران کشور اسلامی ایران در باب جرم انگاری اصول سیاست جنایی اسلام را رعایت نمایند.

مطالب نویافته ای که نگارنده در این مقاله در پی اثبات آن است توجه شایسته به عناصر غیر کیفری در فقه جزایی امام علی (ع) به عنوان بنیاد سیاست جنایی اسلام است. مضاف بر آن، طرح این حقیقت که سیاست جنایی اسلام با دیدگاه دگماتیک و متحجر سازگار نبوده و اتفاقاً همسو و همگام با جدیدترین و معقول ترین سیاست ها در باب مهار پدیده مجرمانه است، نیز مورد توجه است.

پیشنهاد می گردد تا سیاست گزاران جنایی به جای اصرار به جرم انگاری بی حد و مرز و البته بدون ضرورت که خود باعث به تصویر کشیدن چهره ای اربعابی، خشن و غیر بازپرورانه و حتی ناتوان از الگوی فقه جزایی اسلام است، ضمن توجه به اصول حقوقی مورد تاکید در فقه جزایی اسلام، نهادهای ارفاقی و دیگر نهادهای مترقی در حقوق جزای اسلامی را مورد توجه قرار دهند. آنچه امروزه در قالب اسناد الزام آور از ناحیه ی سازمان ملل متحد به کشورها و از جمله کشور ما تحمیل می گردد، همگی در الگوی سیاست

جنایی منبعث از فقه جزایی اسلام موجود است و صرفاً نیاز به کشف و توجه به آنهاست. تا آنچه از خود ما گرفته شده و در یک قالب شیک به خود ما عرضه می‌شود خود آنها را کشف و البته به روز رسانی کنیم برای این توفیق نیاز است تا الگوی سیاست جنایی اسلام را در قالب واقعی خود به عنوان یک الگوی پویا و شناور و البته با قابلیت‌های انطباق با تمامی زمان‌ها و مکان‌ها بشناسیم تا زیبایی‌های دین ما که همانا حفظ کرامت انسانها دلی مشغولی سیاست‌گزاران آن است (و لقد کرّمنا بنی آدم) تحت عنوان یک سیاست جنایی کرامت محور به تمام دنیا معرفی می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۵. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی. جلد ۱ و ۲ و ۳، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم.
۶. الوائلی، احمد. (۱۳۶۲)، احکام زندان در اسلام، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول.
۷. ابوزید، نصر حامد، (۱۹۹۸)، مفهوم النص، در: درسه فی علوم القرآن، مرکز الثقافی العربی بیروت، الطبعة الاولى.
۸. العالم، یوسف حامد، (۱۴۲۱)، المقاصد العامه للشریعه الاسلامیة القاهرة، دارالحدیث، القاهرة الطبعة الاولى.
۹. آنسل، مارک. (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۰. آرون، ریمون، (۱۳۷۷)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، مترجم: باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول.
۱۱. پیکا، ژرژ، (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی قرآنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران چاپ اول.
۱۳. حکیمی، محمد، حکیمی، محمدرضا، حکیمی، علی، (۱۳۷۹)، الحیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۱۴. حسینی، سیدمحمد، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۵. خسروی، محمدحسن، (۱۳۸۷)، راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، انتشارات نور السجاد، قم، چاپ اول.
۱۶. خوانساری، سیداحمد، (۱۴۰۵)، جامع المدارک، نشر مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۱۷. دلماس مارتی، میری. (۱۳۸۷)، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۱۸. راسخ، محمد، (۱۳۸۶)، فصلنامه نامه مفید، شماره ۶۴.
۱۹. سلطانی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، اهداف دنیوی فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حوزه علمیه قم.
۲۰. سیدمحمود، هاشمی شاهرودی، (۱۳۷۳)، قوانین جزایی از نظر اسلام، نشر دارالکتاب قم، چاپ اول.

۲۱. ساخت، یوزف، (۱۳۸۸)، دیباچهای بر فقه اسلامی، ترجمه اسدالله نوری، نشر هرمس، تهران چاپ اول.
۲۲. طالقانی، محمود، (۱۳۷۴)، پرتوی از نهج البلاغه، نشر وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۲۳. طباطبائی، محمدحسین، (بی‌تا)، المیزان فی التفسیر القرآن، مؤسسه نشر اسلامی حوزه علمی، قم.
۲۴. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، فقه و عقل، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌های معاصر تهران.
۲۵. قیاسی، جلال‌الدین، (۱۳۸۵)، اصول سهولت و مداراء و سیاست جنائی حکومت اسلامی، فصلنامه انجمن معارف اسلامی، شماره ۳.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، دوره ی حقوق مدنی، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۷. کینیا، مهدی، (۱۳۷۴)، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
۲۸. کینیا، مهدی، (۱۳۷۴)، روانشناسی جنایی، جلد ۱ و ۳، انتشارات رشد، تهران، چاپ اول.
۲۹. گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، مقدمهای بر جرم‌شناسی، مترجم: مهدی کینیا، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۳۰. گسن، ریموند، (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری، مترجم: مهدی کینیا، نشر مجد، تهران، چاپ اول.
۳۱. گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، سیاست جنایی قضایی، انتشارات سلسبیل، تهران، چاپ دوم.
۳۲. لازرژ، کریستین، (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۳۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۴)، گفتارهای معنوی، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سوم.
۳۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجم.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوم.
۳۶. منصور، محمود، (۱۳۶۵)، زمینه‌ی بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان، انتشارات شرکت سهامی مهر، تهران، چاپ دوم.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۹۸۳)، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۳۸. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۷)، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هشتم.
۳۹. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۳۸۰)، مصباح الاصول، نشر الفقاهه، قم.
۴۰. نجفی، ابرندآبادی، علیحسین و هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷)، دانشنامه‌ی جرم شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول.
۴۱. نجفی توانا، علی، (۱۳۷۷)، جرم‌شناسی، انتشارات خیام، تهران، چاپ اول.
۴۲. نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱)، جواهر الکلام، جلد ۴۱، داراحیاء القمرا العربی، بیروت.
۴۳. نوربهاء، رضا، (۱۳۸۸)، زمینه‌ی جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سوم.
۴۴. میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۹۵)، مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام، مجله حقوق اسلامی شماره ۵۱

پانویست ها

۱-Criminal phenomenon

- ۱- مارک آنسل نخستین کسی که مفهوم سیاست جنایی را باز کرد و معتقد است که سیاست جنایی، هم علم مشاهده و مطالعه و هم هنر و فن است.